

بسم الله الرحمن الرحيم

سوره مبارکه بینه

استاد ضرابی دی ۱۳۹۹

جلسه پنجم ۹۹/۱۰/۲۹

آیات شریفه : «إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَالْمُشْرِكِينَ فِي نَارِ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا أُولَئِكَ هُمْ شَرُّ الْبَرِيَّةِ (۶) إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ (۷) - کسانی از اهل کتاب که کفر ورزیده اند و [نیز] مشرکان در آتش دوزخند [و] در آن همواره می مانند اینانند که بدترین آفریدگانند (۶) در حقیقت کسانی که گرویده و کارهای شایسته کرده اند آنانند که بهترین آفریدگانند.»

عنوان : آیا در محاسبه‌هایمان دچار اشتباه نشده‌ایم؟

« إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَالْمُشْرِكِينَ ... » گفته شد که محاسبه نیک و بد افعال انسان از وقتی است که حق برای او روشن می‌شود؛ زیرا انسان جاهلی که حق برای او روشن نیست توان اقامه حق را ندارد و علم و قدرت دو شرط اصلی تکلیف‌اند؛ بنابراین کفر اهل کتاب و مشرکین که تعبیری عام است و می‌تواند همیشه مصادیقی داشته باشد و مسلمان و یهود و نصاری و دیگر ادیان آسمانی را شامل می‌شود؛ پیامش به همه افراد بشر است و ما به خطا آن را شامل حال خود نمی‌دانیم. کفر، شرک و نفاق آن وقتی که حق شناخته می‌شود ولی بخاطر خواهش‌های نفس حیوانی به آن پشت پا زده می‌شود خطری است که همه را تهدید می‌کند.

البته ممکن است مراتبی برای آن تصور کرد مثل اینکه برخی تنها به حق عمل نمی‌کنند، برخی آن را انکار کرده، برخی بر علیه‌اش تبلیغ می‌کنند، برخی هم دشمنی کرده (صریحا یا نفاق‌گونه، پشت پرده) و برخی دیگر هم به آن حمله

می‌کنند تا آن را از پای درآورند و به همین ترتیب...؛ این مخالفت گاهی با اعتقاد و مرام بر حق است، گاهی با الگوهای آن اندیشه‌ی پاک، گاهی، با پیروان و حامیان آنها، گاهی هم با هر حرکتی است که باعث ترویج آن مرام و مسلک راستین می‌شود.

جا دارد هریک از ما خود را در رابطه با آیین بر حق پیامبر اسلام و تعالیم او همواره بازنگری کنیم و بنگریم آیا دچار محاسبه غلطی درباره خود نشده‌ایم؟ پس چرا اجرای احکام دین را تاب نمی‌آوریم؟ چرا همه امامان ما جز حجت حق (علیهم السلام) مسموم یا مقتول به شهادت رسیده‌اند؟ و چرا باید صدیقه طاهره دخت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به شهادت برسد؟ چرا امام زمانمان هنوز در پس پرده غیبت‌اند؟ آیا عیب از مسلمانی ما نیست؟ آیا ما به اجرای احکام دین و فرهنگ دینی ملتزم هستیم؟

به دل هر که بغض علی کرد جای	ز مادر بود عیب آن تیره رای
که ناپاک زاده بود خصم شاه	اگر چند باشد به ایوان و گاه

عنوان : اختلاف تنها بر سر حکومت نیست

در قرآن می‌خوانیم « یَوْمَ نَدْعُو كُلَّ أُنَاسٍ بِإِمَامِهِمْ فَمَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ فَأُولَئِكَ يَقْرَءُونَ كِتَابَهُمْ وَلَا يُظْلَمُونَ فَتِيلًا - (به یاد آر) روزی که ما هر گروهی از مردم را با پیشوایشان (به پیشگاه حقیقت) می‌خوانیم، پس هر کس نامه عملش را به دست راست دهند آنها نامه خود را قرائت کنند و کمترین ستمی به آنها نخواهد شد. » (اسراء/ ۷۱)

مسأله اساسی این است که آیا اسلامی که ما پس از رحلت پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) از آن پیروی می‌کنیم تعالیم حقه و الگوهای بی‌نقص و عیبی هستند که دین و دنیای مردم را راهبری کنند و به تأیید الهی مصون از هر خطا و لغزشی هستند؟ یا می‌خواهیم با وجود الگوهای اینچنین که خدا و رسولش برای سعادت بشر تا قیام قیامت تعیین و مقرر فرموده‌اند، وجودشان را نادیده بگیریم و ادامه پیدا کند آنچه که نباید می‌شد که شد؟

در این صورت رسول خدا را در قیامت چگونه ملاقات خواهیم کرد؟ آیا آنها که اهل بیت پیامبرشان را می‌کشند بدترین مردم (شرّ البریه) نیستند؟ آیا آنها که هنوز پیرو قاتلان اهل بیت پیامبرند چطور؟ طبق آیه شریفه نامه اعمال ما چگونه خواهد بود و با چه کسانی محشور می‌شویم؟

«قَالَتْ فَاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلَامُ لِرَجُلٍ لَمَّا سَأَلَهَا وَ هِيَ عَلَى قَبْرِ عَمِّهَا حَمْزَةَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَمَّا وَاللَّهِ، لَوْ تَرَكُوا الْحَقَّ عَلَى أَهْلِهِ وَ اتَّبَعُوا عِثْرَةَ نَبِيِّهِ، لَمَّا اخْتَلَفَ فِي اللَّهِ اثْنَانِ، وَ لَوَرِثَهَا سَلَفٌ عَنْ سَلَفٍ، وَ خَلَفٌ بَعْدَ خَلَفٍ، حَتَّى يَقُومَ قَائِمُنَا، التَّاسِعُ مِنْ وَلَدِ الْحُسَيْنِ (عليه السلام) - حضرت زهرا سلام الله عليها بر سر مزار حمزه عليه السلام در پاسخ شخصی فرمودند: به خدا سوگند، اگر حق - یعنی خلافت و امامت - را به اهلش سپرده بودند و از عترت و اهل بیت پیامبر صلوات الله عليهم پیروی و متابعت کرده بودند حتی دو نفر هم با یکدیگر درباره خدا و دین اختلاف نمی کردند (و اسلام همه عالم را فرا می گرفت). و مقام خلافت و امامت توسط افراد شایسته یکی پس از دیگری منتقل می گردید و در نهایت تحویل قائم آل محمد (عجل الله فرجه الشريف، و صلوات الله عليهم اجمعين) می گردید که او نهمین فرزند از حسین (عليه السلام) می باشد.» (بحار الانوار، جلد ۳۶، صفحه ۳۵۲)

ای ز خاک آستان قدسیان را آبروی وز نسیم روضه ات دارالجنان را رنگ و بوی برده چون خاک بهشت از باد جان افزای تو جاہ آب خضر و نار موسوی را آبروی در جوار خاک پاکت هر زمان روح الامین به خضر گوید که دست از چشمه حیوان بشوی

عنوان : شما را به خداوند سوگند می‌دهم آیا به یاد دارید؟

بسیار مناسب است که اگر بدانیم خداوند متعال آیه شریفه : «شرّ البریه و خیر البریه» را در چه هنگامی نازل فرمود:

«أَنَّ عَلِيًّا (عليه السلام) قَالَ لِأَهْلِ الشُّوَرَى أُنْشِدْكُمْ اللَّهُ هَلْ تَعْلَمُونَ يَوْمَ أَنْتَبِئُكُمْ وَ أَنْتُمْ جُلُوسٌ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه و آله) فَقَالَ هَذَا أَخِي قَدْ أَتَاكُمْ ثُمَّ التَفَتَ إِلَى ثُمَّ إِلَى الْكَعْبَةِ وَ قَالَ وَ رَبِّ الْكَعْبَةِ الْمَبْنِيَّةِ إِنَّ عَلِيًّا (عليه السلام) وَ شِيعَتَهُ هُمُ الْفَائِزُونَ

يَوْمَ الْقِيَامَةِ ثُمَّ أَقْبَلَ نَحْوَكُمْ وَ قَالَ... - امام علی (علیه السلام) به اهل شورای خلافت فرمودند: «شما را به خداوند سوگند می‌دهم آیا به یاد دارید هنگامی که نزد شما آمدم و با رسول خدا (صلی الله علیه و آله) نشسته بودید رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: «این برادر من است که نزد شما می‌آید». در اینجا متوجه من شد و بعد به طرف کعبه روی آورد و فرمود: «سوگند به خدایی که این کعبه را ساخت که علی (علیه السلام) و شیعیان او رستگار می‌باشند، و بعد متوجه شما شدند و فرمودند: او نخستین کسی از میان شما است که ایمان آورد و از شما بیشتر در انجام اوامر خداوند سخن گفته. بیش از همه شما به عهد خدا وفا کرده، و در داورهای شما داناتر است، و بیش از شما در میان رعیت به عدالت رفتار می‌کند، و مزایا و حقوق را مساوی و برابر تقسیم می‌نماید و بیش از همه شما در نزد خداوند مقام و منزلت دارد». در این هنگام خداوند متعال این آیه را نازل فرمود: إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ در اینجا رسول (صلی الله علیه و آله) تکبیر گفت و شما هم تکبیر گفتید و بعد همه شما اظهار شادمانی نمودید و تبریک گفتید، آیا شما این جریان را باور دارید؟ گفتند: "آری"» (بحار الأنوار، ج ۶۵، ص ۵۵)

نترسم که دارم ز روشن دلی به دل مهر آل نبی و ولی
شفیع محمد، امام علی است به هر دو جهانم وفی و ملی است

عنوان : دوست و دشمن در وقت مفارقت از دنیا

اگر به گونه‌ای زندگی کرده‌ایم که حامی مرام مسلک اهل بیت بوده‌ایم و از متابعت آنها خرسند و راضی می‌شده‌ایم، این لبخند رضایت در وقت مفارقت از بدن خاکی ما را با سیمای نورانی راضی و خرسند ائمه نور روبرو خواهد نمود؛ اما اگر تنها اهل ادعا بوده‌ایم و بخاطر تعلقات و اعمال مان در حال فرار و یا مخالفت با راه و روش زندگی اهل بیت پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) بوده‌ایم، در این صورت با چهره‌ای مناسب با آن ایشان را ملاقات خواهیم نمود چرا که در حدیث می‌خوانیم: پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) می‌فرماید: «

كَمَا تَعِيشُونَ تَمُوتُونَ وَ كَمَا تَمُوتُونَ تُبْعَثُونَ وَ كَمَا تُبْعَثُونَ تُحْشَرُونَ - آنگونه که زندگی می‌کنید می‌میرید، آنگونه که می‌میرید، مبعوث می‌شوید و آنگونه که مبعوث می‌شوید، محشور می‌گردید» (عوالی اللالی، ج ۴، ص ۷۲)

در واقع کسی که بمیرد و اهل بیت پیامبر را متابعت نکرده باشد، به مرگ جاهلی مرده و به رفتارهای عصر جاهلیت قبل از اسلام کیفر داده می‌شود، چرا که نیندیشیده، توبه نکرده و اسلام نیاورده؛ تا اعمال گذشته او را بپوشاند و خداوند نیز از گناهان گذشته او درگذرد؛ بلکه هنگام مرگ، گناهان آینده و گذشته، همراه اوست و یکی از بزرگترین گناهان انکار امامان بر حق است که الگوهای عملی و عینی قرآن کریم‌اند؛ بلکه انکار رسول خدا و... است.

امام باقر و امام صادق علیهما السلام می‌فرمایند: «حرام علی روح ان تفارق جسدها حتی تری الخمسة: محمدا وعلیا و فاطمة و حسنا و حسینا بحیث تقر عینها او تسخن عینها ... - بر روح آدمی حرام است که از بدنش جدا شود، مگر آنکه پنج تن را ببیند: محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام، و آن هم به گونه‌ای است که یا چشم آدمی روشن و یا تاریک و محزون می‌شود.» (کشف الغمة، ج ۱، ص ۴۱۴)

«... قَالَ كَيْفَ أَنْتَ يَا عَلِيُّ (علیه السلام) إِذَا جُمِعَتِ الْأُمَمُ وَ وُضِعَتِ الْمَوَازِينُ وَ بَرَزَ لِعَرَضِ خَلْقِهِ وَ دُعِيَ النَّاسُ إِلَى مَا لَا بُدَّ مِنْهُ ... إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ أَنْتَ وَ شِيعَتُكَ وَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِنَا أُولَئِكَ هُمْ شَرُّ الْبَرِيَّةِ عَدُوكَ يَا عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَام. - در روایت می‌خوانیم: امیرالمؤمنین (علیه السلام) بر حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) وارد شد و آن جناب در خانه‌ی ام‌سلمه بود. وقتی علی (علیه السلام) را دید. فرمود: «تو ای علی چگونه‌ای وقتی امت‌ها جمع می‌شوند و موازین وضع می‌شود و امر خدا برای تعرض بر خلقتش آشکار می‌شود و مردم به آنچه از آن گریزی نیست دعوت می‌شوند؛ پس اشک امیرمؤمنان (علیه السلام) جاری شد؛ پس رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: «ای علی! چه چیز تو را می‌گریاند؟ به خدا قسم تو و شیعیانت درحالی که پیشانی‌تان منور و دست و پایتان سفید است خوانده می‌شوید،

درحالتی که سیراب هستید و خوش منظر و چهره‌هایتان سفید است و دشمنان تو با چهره‌هایی سیاه و در حالت شقاوت و معذب خوانده می‌شوند. آیا سخن خدا را نشنیده‌ای؟ که فرمود: إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ؛ منظور تو و شیعیان توست و کسانی که به آیات ما کافر شدند، آنان بدترین مردم هستند. أُولَئِكَ هُمْ شَرُّ الْبَرِيَّةِ يَا عَلِي! اینان دشمنان تو هستند». (بحار الأنوار، ج ۷، ص ۱۸۲)

آن کس منم که آل نبی را ثنا کنم	بر دوستان احمد و حیدر دعا کنم
راهی که نهی کرد پیغمبر بدان شدن	آن راه را و رهبر آن ره رها کنم
از مهر و از محبت زهرا و مرتضا	هر صبحدم نگاه سوی هَلْ آتی کنم
گر اقتدا به آل زیادست مر تو را	من اقتدا همیشه به آل عبا کنم
آل زیاد را که به نفرین حق زدند	از اعتقاد، لعنت بی منتها کنم